

صہبائی سرخدانی

در ترجمہ و شرح صد مناقب امیر المؤمنین علیؑ
از ابن شاذان قمی (م ۴۲۰ھ)

مئة منقبة
فی بیان فضائل امیر المؤمنین علیؑ

لمحدث الفقہ:

أبی الحسن محمد بن أحمد بن علی بن

الحسن بن شاذان القمی

المعروف بـ «ابن شاذان قمی»

ترجمہ، پژوهش و نگارش:

سید محمد حسینی نیا

(سیاہ منصوری)

سرشناسه	ابن شاذان، محمد بن احمد، قرن ۵ق.
عنوان قرارداد	مأنة منقبة فارسی - عربی
عنوان و نام پدیدآور	صهباي سخندانى در ترجمه و شرح صد مناقب اميرالمومنين على عليه السلام/ از ابن شاذان قمى؛ ترجمه، پژوهش و نگارش محمد حسيني نيا (سياه منصورى).
مشخصات نشر	تهران: نشر راگا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهري	ج ۱. (شماره گذاری گوناگون)
شابک	۱۰۰۰۰۰ ریل 978-600-92547-0-5
یادداشت	فارسی- عربی.
یادداشت	پشت جلد لاتینی شده Sahbay : sokhandani.
موضوع	علیه بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۲ قبل از هجرت - ۴۰ق. - فضایل - احادیث
موضوع	ع بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - احادیث
موضوع	احادیث - شیعه - قرن ۵ق.
موضوع	احادیث - احادیث
شناسه افزوده	حسینی، سیامحمد، ۱۳۴۱ - مترجم
رده بندی کنگره	۶۲ ۱۳۹۰۴۸ ۲۰۴۱م۲الف/
رده بندی دیویی	۹۵۱/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۲۶ ۰۱۴۵
تاریخ درخواست	۹۰/۰۴/۲۱

- مجموعه اثر
- تحقیق و نگارش
- آماده سازی و تولید
- ناشر
- نوبت چاپ
- شمارگان
- چاپ و صحافی

ISBN 978-600-92547-0-5

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۴۷-۰۰۵

© حق هرگونه چاپ و انتشار منوط به اجازه کتبی ناشر است [Right Reserved, with the prior written permission of the Publisher]

مراکز پخش و فروش

انتشارات توس، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، شماره ۱۷۸ ☎ ۶۶۴۶۱۰۰۷
انتشارات طهوری، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه، شماره ۱۳۳۸ ☎ ۶۶۴۰۶۳۳۰
شهر کتاب کاشانک، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، چهارراه کامرانیه، شماره ۴۲۶ ☎ ۲۳۲۸۵۹۶۹



● مقدمه

اگر چه وصف علی (ع) از حساب بیرون است ولیک با تو بگویم خلافتش چون است
بُود سه ربع خلافت خرابه همچو زمین مگر خلافت حیدر (ع) که ربع مسکون است*

۱- اهمیت کتاب:

برای آنکه هر چه بهتر و بیشتر الری که ابن شاذان نوشته است، بایستی نظری گذرا به تاریخ اسلام، به ویژه تاریخ نبوت و تدوین حدیث بیفکنیم. لز بررسی تاریخ به ذکر گفتار پیامبر (ص) و خلفا در این مورد خاص اکتفا می‌کنیم:

پیامبر (ص) در حدیثی که به "حدیث آریکه" معروف است فرموده‌اند: "ألا أئی اوتیت الکتاب و مثله معه ألا یوشک رجلاً؟ ان منی اریکنه یقول علیکم بهذا القرآن ..." آگاه باشید که به من قرآن و همانند قرآن که با آن همراه بود، به من اعطا شده است. بدانید که مردی بی خبر بر آریکه (قدرت) خویش تکیه می‌زند و می‌گوید: "شما قرآن را کفایت می‌کنند..." (۱)

این حدیث که متواتر معنوی است در بیشتر منابع اهل سنت با الفاظی شبیه به متن اصلی آمده است که خطیب بغدادی نزدیک به ۱۰ حدیث شبیه هم در اثر خود (الکفایة فی معرفة الروایة ص ۲۳ الی ۲۶) گردآوری کرده است. باید دید منظور پیامبر (ص) از این هشدار به امت اسلامی چه بوده است و اصولاً در طول تاریخ چه کسانی داعیه دار کافی بودن کتاب خدا به تنهایی بوده‌اند؟

ابوبکر گفت: "فلا تتحدّثوا عن رسول الله شیئاً فمن احسن قولوا: بیننا و بینکم کتاب الله" فاستحلوا حلاله و حرّموا حرامه... از رسول خدا (ص) حدیثی نقل کنید پس، هر کس از شما در این باره سؤال کرد بگوید: میان ما و شما کتاب خدا کافی است. حلالش را حلال بنید و حرامش را حرام بدانید. (۲)

نهی خلیفه اول را به وضوح راجع به منع نقل حدیث از پیامبر (ص) می‌بینیم؛ وجهی که برای نظر خود بیان می‌کند کافی بودن کتاب خداوند است. بر شخص بینا پوشیده نیست که او دقیقاً چیزی را بیان کرده که پیامبر (ص) امت اسلامی را از آن بر حذر داشته بودند.

عمر گفت: "حسبنا کتاب الله... کتاب خدا برای ما کافی است." (۳)

* بر حاکمیا سنده خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۶۰۲، مؤرخ ۹۲۲ به خط شریفی ریزتر از متن کتاب نوشته شده است.

۱- مسند احمد ج ۲ ص ۱۲۱ و ج ۶ ص ۱۸۱ سنن الفارسی ج ۱ ص ۸۲۲ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۱۱۰۷ سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۶۲ و سنن ترمذی ج ۲ ص ۱۲۲ و ۱۲۵ المستدرک حاکم ج ۱ ص ۱۰۹ و ۱۱۰ سنن الکبری بیاضی ج ۷ ص ۹۰ ج ۹ ص ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ مجمع الزوائد بیاضی ج ۱ ص ۱۵۵.

۲- تذکرة الحفاظ لشمس ج ۱ ص ۲۲ خلاف شیخ طوسی ج ۱ ص ۲۹ و سنن الترمذی ج ۱ ص ۲۹ مستدرک الفهرست ج ۱ ص ۹.

۳- مسند بخاری ج ۵ ص ۱۲۸ و ج ۶ ص ۲۹ صحیح مسلم ج ۵ ص ۲۶۶ مسند احمد ج ۱ ص ۲۲۵ لایح ابی حنبل ج ۱ ص ۱۸۷ سنن الکبری بیاضی ج ۲ ص ۲۲۲ المصنف

کلام خلیفه دوم مصداق حقیقی انذار پیامبر (ص) به امت اسلامی می باشد.

اینگونه گمان می رود که: از همان دوره های آغازین اسلام پس از وفات پیامبر (ص)، جریانی پیوسته و تقریباً ناپیدا در جهت محو و مخدوش کردن ساختار اصلی دین وجود داشته است. منع کتابت حدیث هم می توانسته راهگشای خوبی برای دستیابی به این هدف شوم باشد. چرا که نسلهای بعدی نمی توانستند به منابع اصیل دستیابی پیدا کنند و راه برای جعل و وضع احادیث به نفع هیأت حاکمه هموارتر می شده است. پیامدهای کلی منع کتابت حدیث را اینگونه می توان نام برد: ۱- متزلزل کردن شالوده اصلی ۲- کنار نهادن وجود حضرت امیر (ع) و ائمه معصومین (ع)، و نادیده گرفتن حق خلافت الهی ایشان ۳- شترش احادیث جعلی و فضیلت سازی برای خلفا و نیز بنی امیه و حتی بنی عباس در قرون بعدی ۴- هموار کردن مسیری که بتوانند مولای متقیان (ع) را بر منبر وعظ و در کنار ذکر آیات و احادیث پیامبر (ص) در روایت روشن صتب کنند (دشنام دهند).

از همین روست که خاسی که ابن شاذان (ره) و نظایر او به تاریخ اسلام و فرهنگ اصیل اسلام کردند تنها پس از بازشناسی و بررسی حاکم بر امت اسلامی تا دوره ابن شاذان هویدا می شود. ابن شاذان با به دست دادن احادیث معتبره (ع) و به ویژه حضرت امیر (ع) توانسته این مطلب را به اثبات برساند که در منظومه فکری اصیل اهل سنت نیز همان و متزلزل و الا برای ائمه (ع) و به خصوص حضرت امیر (ع) وجود دارد. سلسله اسنادی که ابن شاذان از اهل سنت نقل می کند - و اکثر هم صحیح الاستاد همراه با راویان موثق است - بر قوام احادیث می افزاید. بیان فضیلت حضرت امیر (ع) از زبان اهل سنت، جلوه و زیبایی منحصر به فرد دارد. (الائمه ما شهدت به الأعداء): خوشتر آن باشد که سر دلبران - گفته اید - در حدیث دیگران

۲- ساختار کتاب "مئة منقبة":

ساختار اصلی کتاب بر این مطلب استوار است که: "همراهی و همراهی با حضرت امیر (ع) یا ولی ای از اولیاء حق، سمت و سوی الهی به تمامی مراتب وجودی انسان (دنیایی و دینی) می دهد". این اصل اصیل، در هر منقبت به شیوه منطقی و هنری، به گونه های مختلف بیان شده است. برخی از ساختارهای دیگر کتاب را - به طور خلاصه - اینگونه می توان معرفی کرد:

۱-۲ ساختار ادبی: سبع: منقبت ۱۸: شتی من عصاک، ریح من تولاک، خسر من عداک... / منقبت ۲۵: علی بن ابی طالب (ع) اقدم امتی سلماً و اکثرهم علماً و اصحهم دیناً... / منقبت ۷۴: آل محمد (ص) المعلمون التقی بالذلولون الجدی التارکون الهوی... / منقبت ۹۵: قبل الله منه صیامه و قیامه و استجاب دعائه... و... / تشبیه: منقبت ۱: اولنا کآخرنا و آخرنا کاولنا / منقبت ۳۸: و علی (ع) منی بمنزلة دمی من بدنی... / منقبت ۳۹: من صافح علیاً (ع) فکانما صافحنی... / منقبت ۴۸: یا علی! مثاک فی امتی

مثل المسيح عيسى (ع) ... و... حصص: منقبت ۱۷: فلا اذكر في موضع الا ذكرت معي / منقبت ۶۶: يا علي انت خير البشر لا يشك فيك الا كافره و... مدح بلا تظير: منقبت ۳۴: وما اظلت الخضراء ولا اقلت الخضراء بعدى افضل من على (ع) ... و... الفونشر: منقبت ۳۴: وانه امام امتي واميرها وهو وصي و خليفتي من اقتدى به بعدى اهتدى و... مزاوجه: منقبت ۳۷: وما بال اقوام ينكرون من له منزله عند الله، كمنزاتي ومقام كمقامي الا النبوة الا ومن احب عليا (ع) ... و...

۲-۲ ساختار تفسیری: در خلال مناقب فراوانی از این کتاب، احادیثی از ائمه معصومین (ع) نقل شده است که به نوعی آیات قرآن را مرتبط با امر ولایت حضرت امیر (ع) تفسیر و بیان می‌کنند. برای نمونه: «ائمه انت و انما انت من» منقبت ۴: «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین» م ۶۶: فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر» م ۹۱: «هو هم انهم لمستولون» م ۱۱۶: «امن الرسول بما انزل اليه من ربه» م ۱۷: «و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد» م ۱۱: «ما بئ اركب معنا ولا تكن مع الكافرين» م ۲۲: «له ما فی السماوات وما فی الارض» م ۳۴: «كذلك ررناها قوما آخرين» م ۱۴۰: «هذا صراط على مستقيم» م ۸۵ و... برخی اطلاعات که به نوعی به فراوانی قرآن مرتبط است در این کتاب دیده می‌شود (م ۸۵). نوع پرداخت و ارائه آیات در هر منقبت، شیوای امامان منطقه دارد. مثلاً در مورد آیه (فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر) در نگاه اول و بدون پیش زمینه ذهنی، این گونه به ذهن می‌رسد که وتمامی تدبیرات و تقدیرات خداوندی بر پایه «جبر» استوار است و هر که بخود دلگه برززد، هر که بخواهد ایمان آورد؛ اما پس از بیان و ظریف و شریفی، که در منقبت ۹ از این آیه شده است، به مشخص می‌شود که پس از اصلاح «ولایت حضرت امیر (ع)» و پیمان گرفتن از مردمان بوده که خداوند فرود: (حال که امر ولایت را به شما ابلاغ کردیم) هر که می‌خواهد کفر بورزد و هر که می‌خواهد ایمان آورد به عنوان نمونه نیز می‌توان از منقبت ۵۷ یاد کرد که پیامبر (ص) حضرت امیر (ع) را جانشین خود در دنیا و آخرت مشخص معرفی می‌کنند و این مطلب در کنار آیه (وقال موسى لآخيه هارون اخلفني في قومي واصلح ولا تتبع سبل المفسدين) اعراف/ ۱۴۲ بیانگر این مفهوم است که ولایت و جانشینی انبیای الهی (ع) توسط امامان و وصی (ع) استمرار دارد. از ذکر آیات در میان مناقب این کتاب می‌توان به شان نزول برخی آیات (م ۸۵)؛ بیان عبادت، برخی از آیات الهی (م ۱۶) و... استفاده کرد که می‌تواند راهگشای خوبی برای مفسران باشد. گستره از این مطلب، گردآوری این آیات - در کنار آیات مشابهی از این دست - می‌تواند پیش درآمد پیدایش «الثری تفسیری» گردد که بیان‌کننده جله‌های وجودی و زوای حضرت امیر (ع) در قرآن باشد.

۲-۳ ساختار حدیثی: گزینش بسیار عالی و هنرمندانه‌ای که این شاذان از مناقب حضرت امیر (ع) انجام داده است، از لحاظ بررسی‌های حدیثی نیز بسیار مهم است. گذشته از معارف و الای شیعی که در مناقب مختلف مطرح می‌شود، شرح و توضیح برخی از احادیث پیامبر (ص) و دیگر ائمه معصومین (ع)، چهره خلفاء و عایشه، رفتار صحابه پیامبر (ص)، مقایسه جایگاه خاندان نبوت (ص) و صحابه و مطالب

مهم دیگری از همین نوع، از جمله مطالبی هستند که بررسی های روشکافانه و نکته‌بینانه محققان و پژوهشگران امر حدیث را می‌طلبد. مطلب مهم دیگر بررسی اسناد این ۱۰۰ منقبت است. این شاذان به بسیاری از "شیوه‌های اخذ حدیث" از اساتید خود و راویان دیگر، در خلال سند روایات اشاره کرده است. سند برخی احادیث از روایات هم در بردارنده تاریخ اخذ و سماع حدیث هستند (منقبت ۱) که از لحاظ تاریخ حدیث و حدیث پژوهی از اهمیت والایی برخوردار است.

۲-۴ ساختار تأویلی: "بازگرداندن مطلب به اصل آن" در میان برخی از احادیث این کتاب مشاهده می‌شود. برای نمونه: در منقبت ۵۹، از کلام حضرت امیر که فرمودند: "هر کس معتقد نباشد من چهارمین خلایق جهانم، لعنت خدا بر او باد" - که احتمالاً گوشه‌چشمی به اعتقادات اهل سنت دارد و بعدها توسط شیعه می‌تواند به عنوان "تقیه" بیان شود - تأویلی زیبا بیان شده که دو جنبه ظاهر و باطن را در برمی‌گیرد. و بدین اعتراض غربی بادی‌نشین، حضرت پیامبر (ص) تأویلی از آیه (هنا صراط علی مستقیم) در منقبت ۱۰۰ که بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۳- نسخه‌های خطی و چاپی کتاب:

۱-۳ نسخه خطی کتاب مته منقبت:

۱-۱-۳ نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۶۰۳ مورخ ۹۲۴ق کاتب: محمد بن زین العابدین بن الحسین الحسینی. در بخش نسخه با آن را با رمز (ت) نمایش می‌دهیم.

۲-۱-۳ نسخه خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره) به شماره ۳۶۱۵ مورخ ۹۸۴ق کاتب: عزالدین حسین بن حیدر بن قمر حسینی عامری کرک. و منقبت

۳-۱-۳ نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) به شماره ۷۸۷۳ مورخ ۱۳۲۷ق کاتب: محمد حسین ارموی.

۴-۱-۳ نسخه خطی کتابخانه آیت الله سید مصطفی خوانساری مورخ ۱۳۸۶ق کاتب: محمد بن محمد رضا حسینی خوانساری.

نسخه اساسی، نسخه شماره ۲۶۰۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است، چون هیچ دیگر تقدم زمانی دارد. در این مقام، از زحمات مشفقانه سرکار خانم دکتر مهاجری در دستیابی به بعضی نسخ قدردانی می‌شود.

۲-۳ نسخ چاپی کتاب مته منقبت:

۱-۲-۳ مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين (ع) و الاثمه (ع) من ولده، به تصحيح الشيخ نبيل رضا علوان، انتشارات انصاریان، قم، ۱۴۱۳هـ.

۲-۲-۳ مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين (ع)، تحقيق و نشر: مدرسة الامام المهدي (عج) بقم المقدسة، باشراف السيد محمد باقر بن المرتضى الموسوي، ۱۴۰۷هـ.

به کتب چاپی دیگر دسترسی نداشتیم. از همین رو مشخصات آنها یاد نشد. برای آگاهی از چاپهایی که در نجف یا دیگر بلاد اسلامی انجام پذیرفته است، نگاه کنید به: الذریعه ج ۱۹ ص ۳.

۴- درباره چاپ حاضر و روش تحقیق:

۱-۲ شیوة ترجمه: از میان دو روش مرسوم در ترجمه (یکی لفظ به لفظ و دیگری برگردان به زبان مقصد) هر دو روش به کار گرفته شد؛ بدین صورت که ترجمه‌های تحت اللفظی عبارات به پاورقی منتقل شد و با علامت "(ت)" نشان داده شد. اگر جایی هم عین لفظ کلمه معنا شده بود آنرا با علامت "(ل)" در پاورقی مشخص کردیم. ترجمه‌ای که در متن آورده شد و مبنای اصلی کار قرار گرفت، ترجمه به "زبان مقصد" رد. نای شیوة ترجمه بر این منوال است که: متن منقبت به دقت در زبان هری خوانده شد و مضمون و محتای اصلی آن به زبان فارسی بیان گردید. علاوه بر این اصطلاحات و اسامی خاص و علم، به همان صورت ترجمه فارسی آورده شد مانند (عقیق السفلی). دقت دیگری که در ترجمه صورت گرفت است ده از "مفهوم موافقی معنا" در متن بود. گاه پیش می‌آمد که معنای اولیه متن رساننده تمامی مفهوم و مقصود، کلام بود. این رو "مفهوم موافقی معنای آن در متن آورده شد و ترجمه تحت‌اللفظی به پاورقی برده شد مثلاً: "بح العرق من وجهه" در منقبت ۳۱. ترجمه آیات قرآن با نیم‌نگاهی به ترجمه استاد دکتر محمد مهدی مازندرانی صورت گرفته است. اما دقایقی نیز در ترجمه آیات لحاظ شد، که در اثر استاد ملاحظه گردد.

۳-۲ ارائه نکات ادبی و بررسی واژگان: در موارد به پاری از دقیقه‌ها و نکته‌ها که مناسب مقام به نظر می‌رسید اشاره شد. مثلاً در پاورقی ترجمه منقبت شماره ۳ نکته ظریفی در مورد تصغیر و انواع آن، در منقبت شماره ۲۰ درباره تشبیه بلیغ و در جایگاه خاص، در از نکات مهم سخن رفته است. در بیان نکات ادبی هم مرز میان اطناب و ایجاز در نظر گرفته شد. با اختصاص کلی به دست آید. در مورد بررسی واژگان و معنای الفاظ هم به منابع اصیل و درجه اول اهل لغت رجوع شده شد. در متن کتاب، به جهت اختصار از ذکر اسامی علمای لغوی صرف‌نظر شد و تنها با عبارت "مشتاگان می‌گویند..." / در نزد لغت‌شناسان معانی... را پذیرفته است و... گفتار و نظرات آنان مورد نقد و بررسی قرار گرفت. از مهمترین آنان می‌توان این موارد را ذکر کرد: کتاب‌العین: خلیل بن احمد الفراهیدی، موسی المحیط؛ فیروزآبادی؛ الصحاح: جوهری؛ مختار الصحاح: رازی؛ لسان العرب؛ ابن منظور؛ المصباح المنیر: قیومی؛ تاج العروس من جواهر القاموس: زبیدی؛ مقدرات الفاظ القرآن: راغب اصفهانی؛ المنجد فی اللغة و الاعلام: الأب لويس مألوف و قاموس قرآن: علی اکبر قرشی ...

۳-۳ اعراب‌گذاری دقیق متن و بررسی نسخه‌بدها:

متن کتاب طی چند مرحله اعراب‌گذاری شد و نظرات مختلفی هم که پیرامون برخی نکته‌های دستوری در زبان عربی وجود دارد لحاظ شد، اما در موارد تنازع، "قول کوفیون" برتری داده شد. همراهی

مشفقانه این دوستان در این بخش، نزد خداوند مأجور باد؛ آقایان: «اصغرپور، شهیدی، عمرانی، کرمی، رفیع، حسین پوری، حسین زاده و سلمانزاده».

نسخه اساسی در بررسی نسخه بدلهای، نسخه شماره ۲۶۰۳ و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است، چون بر نسخه دیگر تقدم زمانی دارد. البته در تهیه متن کتاب تنها به این نسخه اکتفا نکردیم. بلکه در مواردی - که کم هم نبود - ضبط نسخه‌های دیگر از لحاظ قواعد دستور زبان عربی، تاریخی و نیز ساختار خود حدیث و آنچه که با «اجتهاد علمی-ادبی» منطبق بود، بر ضبط نسخه اساس ترجیح داده شد و در آن آمد. برای استفاده دقیق و علمی تر، بخشی به عنوان «امم نسخه بدلهای» در انتهای کتاب افزوده شده است. در دلونده اختلاف نسخه بدلهاست.

۴-۴ منابع و مصادر هر منقبت: اساس یافتن مصادر و منابع هر منقبت، در بیشتر موارد وجود حدیث در منبع اهل سنت است. البته برای قوام بیشتر و تأیید مطالب هر منقبت از منابع اصیل شیعی نیز کمک گرفته شد. به این دلیل کلی منابع دو دسته بودند: یکی مصادری که این شاذان حدیث خود را از آنان نقل کرده بود یا ایند، سده امثالی برابر با این شاذان داشته‌اند. دسته دوم متابعی بودند که حدیث را مستقیماً و بدون واسطه از متفقه نقل کرده بودند. این موارد گردآوری شد و تنها به دلایل فنی و ویراستاری - منخب - یکیدهای از اهم منابع در پاورقی هر منقبت ذکر شد. علامت در انتهای هر منقبت، برای نشان دادن منابع، ساخت آن منقبت به کار رفته است.

۴-۵ بررسی اسناد هر منقبت: سند هر منقبت همراه آن ذکر شد تا راه برای بررسی‌های بعدی هموارتر باشد. شیوه کار رجالی بدین صورت بود که: (الف) مامور رجالی که در سلسله اسناد منقبت‌ها آمده بودند جدا و بر اساس ترتیب الفبایی مرتب شدند (نمونه به: شماره رجالی انتهای کتاب). (ب) بعد از این مرحله به هر یک از روایت، شماره‌ای داده شد. شرح حال و شرح هر راوی ذیل اسم همان راوی و شماره مخصوص آن، ذکر شد. برای این منظور از مهمترین منابع رجالی اهل سنت و شیعه استفاده گردید. (پ) مرحله بعدی ارائه شماره‌هایی بود که برای هر راوی تعیین گردید. بود. این کار در پایین هر منقبت و پس از علامت «الترتیب آلرجالی» انجام شد. میان هر دو شماره، حمایتانگر راوی مشخص هستند علامت در قرار داده شد که نشاندهنده نقل یک راوی از راوی دیگر است. جهت فلش نیز نشاندهنده کسی است که حدیث را از فرد پیشین خود نقل می‌کند. «۱۲۱» ۱۵۶: راوی ۱۲۱ از ۱۵۶ نقل کرد که...

ت) مرحله پایانی کار رجالی، ارائه نظر و اجتهاد رجالی درباره سند منقبت بود، با استفاده از شرح حالی که از راویان به دست آورده بودیم (مرحله ب). نتیجه نهایی و اجتهاد درباره سند منقبت را پس از علامت «ک» ارائه کردیم. برای رسیدن به این هدف، حدیث را ۴ گونه تقسیم می‌کنیم به این شرح:

۱- صحیح: حدیثی که تمام راویان آن «ثقة» باشند و نیز اتصال سند از راوی اول تا معصوم (ع)

برقرار باشد. در عمل به حدیث صحیح و اعتنای به آن تمامی دانشمندان اتفاق نظر دارند.

۲- حسن: حدیثی که در میان راویان آن تنها یک راوی "مجهول" وجود داشته باشد و نیز اتصال سند از راوی اول تا معصوم (ع) برقرار باشد. در عمل به خبر حسن، دانشمندان دو نظر دارند. اما آنچه اکثریت بدان معتقدند این است که: به حدیث حسن همچون حدیث صحیح می توان عمل نمود. (الرعاية ص ۹۰)

۳- موثق: حدیثی که در میان راویان آن دو راوی "مجهول" وجود داشته باشد و نیز اتصال سند از راوی اول تا معصوم (ع) برقرار باشد. در عمل به خبر موثق هم نظر دانشمندان چون خبر حسن است. عده ای آن را تلقاً پذیرفته و گروهی نیز مطلقاً رد می کنند. اما گروه سوم قائل به تفصیل شده اند به این تریب که: اگر رایت دارای شهرت باشد، آن را می پذیرند. (الرعاية ص ۹۱).

۴- ضعیف: حدیثی که در میان راویان آن یک راوی "ضعیف" وجود داشته باشد هر چند که اتصال سند از راوی اول تا معصوم (ع) برقرار باشد.

بی شک یکی از مضامین ارزش رجالی، عدم ارائه دقیق و بی عیب و نقص تعاریف رجالی است. همچنین در تعریف انواع حدیث نیز تاکنون اجماعی صورت نگرفته است. تقسیم بندی بالا با گوشه چشمی به این منابع صورت گرفته است: "الرعاية فی علم الذرایة از شهید، وصول الاخبار الی اصول الاخبار از عاملی، التحریر الطاور" صاحب معانی، الوجیزة شیخ بهایی، الرواشح السماویة میرداماد.

۴-۶ نکته های هر مثبت: قطره ای از معارف پر کران هر مثبت پس از علامت "☐" به صورت بسیار اجمالی و کوتاه بیان شده است. سعی بر این بود تا با ذکرها بکر باشند و دیگر اینکه در هر مثبت جلوه و اطواری خاص از مقام والای حضرت امیر (ع) بیان شود. از همین روست که تقریباً نکته ای تکراری در کتاب، توضیح داده نشده است؛ اگر هم جایی مطلبی دوبار بیان شده است، دقیقه ای دیگر از آن مورد موشکافی قرار گرفته است.

۴-۷ تطابق با قرآن: اولین مقوم و پشتیبانی که برای تایید متن هر مثبت به کار رفته، آیات قرآن است. آیات متناسب با متن حدیث را پس از علامت "☐" همراه با نشانی آن ارائه کردیم. احادیث متواتری بیان می دارند که این شیوه (تطابق و عرضه احادیث با قرآن)، همان شیوه ای است که ائمه (ع) برای فهم احادیث خود به شیعیان گوشزد می کردند. علاوه بر این ائمه (ع) شاگردان خود را به گونه ای تربیت می کردند که آنان می توانستند ریشه کلمات ائمه (ع) را در کتاب خدا سراغ بگیرند. چنانکه امام محمد باقر (ع) به اصحاب خود فرمودند: *وَإِذَا حَدَّثَكُمْ بَشِي فَاَسْتَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ* هرگاه در مورد چیزی برای شما سخن گفتم، درباره آن چیز از کتاب خدا از من سؤال کنید.^(۱) علاوه بر این ائمه (ع) بر این نکته

تاكيد كرده‌اند كه: «هيچ حكمي نيست كه دو نفر در آن به اختلاف پيرنازند، مگر آنكه اصل و ريشه‌اي در كتاب خدا دارد. گرچه خيزده‌هاي معمولي آن را دو ك نكنده»^(۹). از همين لحاظ اولين معيار سنجش و تقويت حديث آيات قرآني است.

۴-۸ تطابق با احاديث: در پي ذكر آيات براي تايد متن منقبت، احاديثي نيز پس از علامت «□» به همراه نشاني و كتبي كه حديث شاهد در آن آورده شده، براي تقويت و تحكيم محتوا و متن منقبت آورده شده است. از آنجا كه ائمه (ع) همگي نور واحدی هستند و از يك حقيقت الهی و والا سرچشمه می‌گیرند، كلام و گفتار آن بزرگواران نه تنها با هم هيچ تناقضی ندارد؛ بلكه می‌توان كلام هر يك آن خاصان الهی را به عنوان تأيیدی بر كلام بزرگواری ديگر به كار برد. از همين رو در حديث فرموده‌اند: «كلامكم نور و امرکم رشد». در نتيجه براي روشن‌گري بيشتري محتوای حديثي هر منقبت، بهترين معيار و معيار پس از كلام خداوند، كلام خود ائمه معصومين (ع) است.

۴-۹ بررسی تفكر شيعه: شيعه حديثي است براي رسيدن به فلسفه و تفكر هر قومي، همنشيتي و همسويي يا آنان شرط است. بر اين رويت ذكر شيعي آنگاه حاصل می‌شود كه در كنار قرآن و همراه با ائمه (ع) و پيوستن به يكي از معصومين (ع) باشد. از آن رو كه ائمه معصومين (ع) لب و اساس دين خدا هستند، سر بر آستان حضرت امير (ع) يا پيغمبر، فرزندان ايشان از ائمه و اوصياء (ع) داشتن، می‌تواند تا حدودی راهگشاي مخاطب در فهم آن مصيبي باشد كه عورات معصومين (ع) بيان فرموده‌اند.

۴-۱۰ ضميمه رجالي: راوياني كه ۱۰۰ منت را نقل كرده‌اند در اين قسمت به تفكيك مورد بررسی رجالي قرار گرفته‌اند و بخشي از منابع كه حديث از «وثاة» كلي يا ضمني آنان می‌كرده است، همراه با نشاني دقيق آن منبع، در ذيل نام هر راوی آورده شده تا روي بي بعدی را آسان‌تر كند. تكيه و تأكيد اصلي شرح حال‌هاي رجالي بر منابع اهل سنت بود، هر چند راويان از ميان ميان شيعه باشد. چرا كه اگر منابع رجالي اصيل اهل سنت بر وثاقت شخصي از بزرگان شيعه صحه گذاشته باشند، تا م حاصل خواهد شد. البته از مراجعه موردی و دقيق به عمده كتب رجال شيعه غفلت نشده است. كناره از اين مطلب سعی شد تا بيشتري از منابعي استفاده شود كه به عصر راويان نزديكتر باشند و يا از كتب دانشمندان استفاده شود كه اجتهاد رجالي آنان پلانزاع باشد.

۴-۱۱ اهم نسخه پدله‌ها: علامت «+» پيش از هر عبارتي به معنای آن است كه آن عبارت در نسخه افزوده دارد. بر همين اساس علامت «-» پيش از عبارت به اين معناست كه آن عبارت در متن كتاب يا نسخه اساس وجود ندارد. اگر جايي «ندارد» نوشته شده، به اين معناست كه آن عبارت، در محدوده‌اي كه مشخص شده، به طور كلي در نسخه نيست. عبارت همچون «۷/۲۳» به معنای صفحه ۲۳ سطر ۷ است. رمز هر نسخه هم در پخش ۳-۱ معرفی شد.

۴-۱۲ منابع تحقیق: استقصای کامل منابعی که در طول کار مورد استفاده قرار گرفت ممکن نبود، از همین رو به ذکر چکیده‌ای از مهمترین آنها قناعت کردیم. شیوه اصلی چینش منابع به این صورت است: شهرت مؤلف، نام مؤلف به همراه کنیه؛ نام اثر مؤلف، محقق، انتشارات، مکان چاپ، سال چاپ.

www.ketab.ir